

در حاشیه رویدادها

اسامی ساواکی هارا منتشر کنید

(یا لاقل آنها را در ساوا اما استخدام کنید)

پس از آن همه شعار نویسی بر در دیوار و بالا و پائین روزنامه‌ی مردم برای درخواست انتشار اسامی خیرچینان ساواک ، نورالدین کیا نوری ، آموزگار ظاهراً "بزرگ حزب طراز نوین طبقه کارگر" ، موضع علی الاصول رسمی حزب را در برابر انواع ساواک های شاهنشاهی و اسلامی نشان داد . به گفته ایشان در دومین جلسه "بحث آزاد" حق رژیم شما - یعنی رژیم آیت الله بهشتی - است که ساواک را تجدید سازمان کند و اعضای ساواک سابق غیر اسلامی را هم در زیر عنوان تازه‌ی ساوا ما (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) به کار ببرد .

با سقوط رژیم شاه ، حزب بوده دچار این مشکل بگانه شد که باید حساب و کتابش را از ساواک جدا کند . نه تنها نهرانی معدوم که شخص دیر کل حزب مورد بحث هم اعلان کرد که از سال ها پیش تشکیلات تهران حزب بوده به همت ساواک اداره شده است وگرنه کسی این دور و برها نبود که بار زمین گذاشته‌ی سران متواری را بسر دوش بکشد .

اما اوضاع تازه ، مشکل "حزب طراز نوین" را تا حدودی حل می کند . اکثر اعضای ساواک ، با اکثر آنها ، به کارشان ادامه بدهند می توان نتیجه گرفت که سبب دیدی ندیدی . اگر در چند سالی که سران حزب غایب بود ساواک زحمت اداره‌ی جلسات با شیما ندهی حزب را به عهده گرفت ، حالا که سران ساواک صحنه را ترک کرده اند یا از دارفانی اخراج شده اند ، "حزب طراز نوین" دستی زیر بال ساوا ما ی آقای بهشتی می کند . بالاخره آدم به آدم میرسد .

"حزب طراز نوین" که تا مدتی پیش با انحلال کمیته ها به دلیل "نفوذ عناصر ضد انقلابی در شهریانسی" مخالفت می کرد ، برای استخدام کادرهای مجرب ساواک در ساوا ما معیاری اساسی در دست دارد - شبیه همان معیاری که برای برخورد با گل رژیم شاه به کار می برد : می توان به همکاری با "عناصر واقع بین تر" ساواک ادامه داد و عناصر غیر واقع بین را مرخص کرد . عناصر نسوع اول طبیعتا دوستی شان را از حزب بوده و خصومتشان را از مخالفان آن دریغ نخواهند کرد . چه بهتر که عناصر جناح واقع بین ساوا ما قبلا از آموزش های حزب بوده هم بهره مند شده باشند .

اشخاهی که احتمالا به مهر ناشید "حزب طراز نوین" بر ساوا ما ی آیت الله بهشتی با شرکت "اعضای با نجر - بهی ساواک" با ناباوری می نگرند ، در واقع در شناخت احوال و عادت کربهی مرتضی علی نارسائی دارند .

آخرین یاری عامل انحصارات بین المللی به جمهوری اسلامی باشکست مواجه شد

انتخاب فرانسوا میتران به ریاست جمهوری فرانسه ، بدلائلی که در شماره‌ی ۷۵ رهائی گفته ایم ، بارقه‌ی امید را در دل رژیم جمهوری اسلامی با افروخته و شسته انداخته است .

لاخره برای بیروزی عساکر اسلام بز غوای کفر ، بوجسود آورده بود . ولی بطوریکه در همان شماره بیستمی کردیم بودیم وعده های تمیل از انتخابات فرانسوا میتران (در رابطه با قطع همکاری اتمی با عراق و بویژه عدم تحویل بشیدی میراژهای فو۴ مدرن F-1 و قطع ارسال تجهیزات نظامی به عراق) ، در بر خورد با واقعیت های سر سخت زمینی رنگ باخت و اسد های رژیم جمهوری اسلامی در اس زمین به سراب مبدل گردید .

در شماره‌ی ۶۰/۳/۹ روزنامه جمهوری اسلامی با نوشتن کوتاهی برخورد کردیم که در آن ، ارکان حزب حاکم تا کجا فحش و دشنام را نثار "مسو میتران" می کند ، خواننده تا آشنا به مسائل پیش برده میکسب تکمیل زده شود و از خود بیگردد چه شد که یکمرتبه حزب جمهوری اسلامی اس - چنین از خشم کفیر دهان آورده است ؟ دلیل از بازگشت کردن علت واقعی آن ، بهتر است عملا بخشی از "خشم نامه" (بر وزن "رح نامه") ی روزنامه جمهوری اسلامی را در زیر نقل کنیم :

"... از نخستین اقدامات موسیو میتران رهبر سوسیالیستهای فرانسه ، که پس از استقرار در کاخ بر زره و برقی البیژه انجام شد ، تبعیض انداختن تحویل ناوهای ایران بود ... اگر ((میتران)) پس از انتخابات لافا تلاشی می نماید ((از جلسه قطع ارسال اسلحه و عدم تحویل میراژها به عراق - که پس از انتخابات ، همانطوریکه پیش بینی کرده بودیم ، بکند شد و دولت جدید اعلام کرد که " کلیه فراردهای دولت فرانس را محترم خواهد شمرد ")) و مردم خوش باور فرانس نیز آنها را باور کرده بودند بخاطر این بود که "ذول مטר" او را بخوبی نمی شناختند و فریب سخنان رفور - میستی و سفیدله گریهای او را خورده بودند و تا بای تحریر و عمل میمان نیاید هیچکس نمی تواند ماهیت او را بشناسد " (روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۰/۳/۹)

و اما واقعیت تضحیه : برفور "رمون بار" پنج سال پیش توسط "ژیسکار دستن" به عنوان "یکی از بزرگترین اقتصاددانان جهان" به نخست وزیر فرانس انتخاب شد تا اقتصاد بحران زده‌ی سرمایه داری فرانسه را نجات دهد . سیاستهای اقتصادی و اجتماعی این برفور اقتصاد بورژوازی و عامل انحصارات بین المللی ، اقتصاد فرانس را بسوی بحران عمیق تری سوق داد (که به پاره‌ای از اثرات این سیاست در شماره‌ی ۷۵ رهائی اشاره کرده ایم) . اقدامات ضد کارگری "رمون - بار" او را بصورت وقیح ترین دشمن زحمتکشان فرانسه در آورد . ژیسکار دستن ، علی رغم نفرت عمیقی که کارگران و سایر زحمتکشان بر اساس نظر سنجی های گوناگون و فریب به دو سوم مردم فرانس (از این اقتصاددان ورشکسته و از این عامل انحصارات بین المللی داشتند ، تا آخرین روز ریاست جمهوری خود ، او را در بست نخست وزیری نگه داشت .

در ۱۹۸۱ ، ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه ، در انتخابات شکست خورد . بر اساس قانون اساسی جمهوری پنجم فرانس ، در دوره‌ی انتقال قدرت (پس از انتخابات) رئیس جمهور و دولت قبلی ، حتی هیچگونه تصمیم گیری جدید را ندارند و فقط ملزم هستند که امر جاری و عادی را اداره کنند . علی - رغم صراحت قانون اساسی فرانسه در این زمینه ، "رمون بار" بقیه در صفحه ۲۸

بار " بلور محرمانه ، به کمک رژیمهای ارتجاعی و ضد انقلابی نظیر جمهوری اسلامی، آرژانتین و غیره شتافت و به ارسال تجهیزات نظامی برای این رژیم ها پرداخت .
به خبر مندرج در روزنامه " لوماتن " چاپ پاریس ، مورخ ۱۳ مه ۸۱ (۲۳ اردیبهشت ۶۰) ، توجه کنید :

" شارل هرنو ، نماینده ی سوسیالیست منطقه "رن" و مسئول امور نظامی حزب خود ، و " ژان ایگو-لودریان " ، نماینده ی حزب سوسیالیست منطقه "موریان" ، دلی دو سؤال کتبی از نخست وزیر ، تکلفی خود را ابراز داشته و نوشته اند :

" بارهای اطلاعات رسیده حاکی از آنست که ناو های جنگی جهت تحویل به ایران و آرژانتین - و نیز شاید به کشورهای دیگر - آماده حرکت شده اند ."

دو نماینده سوسیالیست در بیان سؤال کتبی خود پرسیده اند :

"در صورتیکه این اطلاعات درست باشد ، اعلام کنید چه کسی چنین دستوری را صادر کرده است) و آیا اینست استنباط شما از اداره امور - جاری ؟"

پس از بر ملا شدن این اقدام محرمانه ی " رمون بار " (که صراحتا مغایر با قانون اساسی فرانسه بود) ، ناوهای جنگی که برای تحویل به جمهوری اسلامی آماده حرکت بودند مجدداً به آسیانه های خود عودت داده شدند .

و بدینگونه است که روزنامه جمهوری اسلامی ، ناکهسان علییه " موسیو میتران ، رهبر سوسیالیستهای فرانسه " بسر خشم می آید و با "طول متر" او آشنائی می یابد .